

تحلیل اثر تسهیل وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان^۱

فراس صباح علیوی^۲

سارا قبادی^۳

سعد مکاصیص^۴

حسین شریفی رنایی^۵

چکیده

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جوامع با مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند به افزایش رشد اقتصادی یاری رسانند. با این وجود بررسی‌های آماری حاکی از کم بودن فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در بخش رسمی در اکثر اقتصادهاست. این امر منجر به روی آوردن زنان به مشاغل خانگی و آسیب‌پذیر شده که از حقوق و دستمزد ثابت و تامین اجتماعی برخوردار نیستند. هدف مقاله حاضر تحلیل اثر تسهیل وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان و نقش آن در انتقال از بخش آسیب‌پذیر به بخش رسمی در منتخبی از کشورهای اسلامی است، که در آن‌ها بنابر تاکید اسلام بر خورداری از حقوق انسانی از جمله اشتغال مناسب برای تمام اقشار جامعه به ویژه زنان مورد تاکید می‌باشد. از این رو با در نظر گرفتن دوره زمانی ۲۰۲۲-۲۰۱۳، و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیمی یافته (GMM) به تحلیل موضوع پرداخته شد. نتایج بیانگر آن بود که افزایش استحکام حقوق قانونی وام به عنوان شاخص تسهیل وام‌دهی منجر به کاهش اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده و به عبارتی به انتقال زنان از بخش غیررسمی به بخش رسمی اقتصاد کمک کرده است. این در حالی است که دیگر متغیرها شامل جهانی شدن، نابرابری جنسیتی و افزایش شهرنشینی به افزایش اشتغال آسیب‌پذیر زنان منجر شده‌اند.

واژگان کلیدی: تسهیل وام‌دهی، اشتغال آسیب‌پذیر، اشتغال زنان.

طبقه‌بندی JEL: J830, F00, C23.

^۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری فراس صباح علیوی در رشته علوم اقتصادی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) با راهنمایی دکتر سارا قبادی و دکتر سعد مکاصیص و مشاوره دکتر حسین شریفی رنایی می‌باشد.

^۲. دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Firascr415@gmail.com

^۳. استادیار گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) sghobadi@iau.ac.ir

^۴. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه الکوئت، واسط، عراق. Saad.hussein@alkutcollege.edu.iq

^۵. دانشیار گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. H.sharifi@iau.ac.ir

مقدمه

بخش عمده‌ای از کارگران در کشورهای در حال توسعه، در اقتصاد غیررسمی با درآمد پایین، امنیت شغلی محدود و بدون حمایت اجتماعی مشغول به کار هستند (باکتا و بوستامانت^۱، ۲۰۰۹). همین امر باعث شده است تا مقابله با آسیب‌پذیری در اقتصاد غیررسمی و تسهیل گذار از اقتصاد غیررسمی به سوی اقتصاد رسمی به یکی از مهمترین چالش‌های سیاستی در این گروه از کشورها تبدیل شود (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سازمان بین‌المللی کار^۲، ۲۰۱۹). از نظر سازمان بین‌المللی کار^۳ (۲۰۱۰)، کارگران خویش فرما و کارگران کمک‌خانواده^۴ شاغلین آسیب‌پذیر را تشکیل می‌دهند، به طوری که از کیفیت و امنیت شغلی پایینی برخوردار هستند (پنا-کاساس و همکاران^۵، ۲۰۱۸). در این بین دستمزدهای پایین، برنامه‌های کاری نامناسب و شرایط استرس‌زای روحی و روانی نیز از دیگر مشخصه‌های اشتغال آسیب‌پذیر است. مقوله اشتغال آسیب‌پذیر برای زنان در مقایسه با مردان از اهمیت بیشتری برخوردار است چرا که زنان به دلیل مسئولیتی که در قبال مراقبت از فرزندان دارند، دسترسی کمتری به فرصت‌های شغلی با دستمزدهای منصفانه دارند (وو یان^۶، ۲۰۲۳؛ اسدی زیدآبادی و همکاران، ۱۴۰۲). اغلب زنان در مشاغل آسیب‌پذیر، با دستمزدی بسیار ناچیز، قواعد کاری غیررسمی، شرایط کاری بد و امنیت شغلی و اجتماعی پایین مواجه هستند. آن‌ها همچنین از حمایت‌های اجتماعی و مزایایی مانند مرخصی زایمان با حقوق بی‌بهره هستند و به دلیل عدم برخورداری از نماینده در اتحادیه‌های کارگری، حق اعتراض و طرح مطالبات خود را نیز ندارند. در این میان، برنامه‌های فقرزدایی و توانمندسازی زنان تلاش می‌کنند تا با فراهم نمودن شغل‌های باکیفیت، آسیب‌پذیری‌های مرتبط با زنان را کاهش دهند (اواجوموگو و همکاران^۷، ۲۰۲۲).

کارشناسان و نهادهای بین‌المللی بر این باور هستند که سهولت در اعطای وام و اعتبارات، یکی از مهمترین سازوکارهای موجود در راستای کاهش فقر و ایجاد اشتغال به ویژه برای زنان است. ادبیات موجود نیز نمایانگر آن است که عدم دسترسی به اعتبارات بانکی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه یکی از محدودیت‌های مهم کارآفرینان به هنگام راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی است و این مشکل برای زنان در مقایسه با مردان به مراتب بیشتر است (بونیک و همکاران^۸، ۱۹۸۹). به بیان کلی دسترسی به منابع مالی در ایجاد، توسعه و بقای مشاغل به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است (پاولوا و گوتادزه^۹، ۲۰۲۳). یان-لینگ و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۱) معتقد هستند که با محدود شدن دسترسی خانوار به اعتبارات رسمی و غیررسمی، آسیب‌پذیری اقتصادی آن‌ها افزایش می‌یابد (یان-لینگ و همکاران، ۲۰۲۱). این در حالی است که به طور مشخص زنان از طریق افزایش دسترسی به بازارهای اعتباری، قادر هستند تا کسب و کارهای کوچک مقیاس خود را به مشاغل با مقیاس بزرگتر و سودآورتر تبدیل نموده و با بخش رسمی بازار ادغام شوند (آتریدو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۳). با توجه به مباحث مطرح شده، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر سهولت وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در منتخبی از کشورهای اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ می‌باشد. به منظور برآورد الگوی پژوهش از گشتاورهای تعمیمی یافته (GMM) بهره گرفته می‌شود. مرور بر پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش حاضر به لحاظ موضوعی دارای نوآوری است، به طوری که تا کنون در سطح پژوهش‌های داخلی، به بررسی تأثیر سهولت وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان پرداخته نشده است. بر همین اساس مقاله حاضر از ۵ بخش اصلی تشکیل شده است. پس از بیان مقدمه، در بخش اول مبانی نظری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش دوم مروری بر مطالعات پیشین صورت می‌گیرد. بخش سوم به روش تحقیق و نتایج آزمون‌های آماری و برآورد الگوی پژوهش می‌پردازد. در بخش چهارم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی ارائه می‌شود.

¹ Bacchetta & Bustamante

² Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) and International Labour Organization (ILO)

³ International Labour Organization

⁴ Peña- Casas et al.

⁵ Wu & Yan

⁶ Uwajumogu et al.

⁷ Buvinic et al.

⁸ Pavlova & Gvetadze

⁹ Yan-Ling et al.

¹⁰ Aterido et al.

۱- مبانی نظری

۱-۱- اشتغال آسیب‌پذیر زنان

در راستای تعریف اشتغال آسیب‌پذیر، سه رویکرد کلی در نظر گرفته می‌شود. سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۰) مشاغل آسیب‌پذیر را به عنوان مجموع کارگران خویش‌فرما و کارگران کمک‌خانواده تعریف می‌کند. در رویکرد دوم، مشاغل آسیب‌پذیر بر اساس سطح پایین درآمد جمعیت شاغل تعریف می‌شود و در رویکرد سوم نیز جنبه‌های چندبعدی آسیب‌پذیری در اشتغال مد نظر قرار می‌گیرد. به‌طور کلی کارگران پاره‌وقت، خوداشتغال و قراردادی در مقایسه با کارگران تمام‌وقت در معرض آسیب‌پذیری بالاتری قرار دارند که این موضوع ریشه در میزان ثبات یا عدم ثبات شغلی دارد (چایکوفسکی^۱، ۲۰۰۵). کمیسیون اتحادیه‌های کارگری^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌کند که کارگران در صورت فقدان صلاحیت‌های علمی و قرارداد دائم و یا اشتغال در محیط خانه، در معرض خطر اشتغال آسیب‌پذیر قرار دارند. علاوه بر این، مهاجران غیرقانونی و یا افرادی که در بخش غیررسمی کار می‌کنند نیز جزء شاغلین آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند. در این بین باکویر و همکاران^۳ (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که آسیب‌پذیری با مشکلاتی در ارتباط است که در مسیر مدیریت ریسک‌ها و مقابله با زیان‌ها و هزینه‌های ناشی از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز برای افراد ایجاد می‌شوند و از آن جایی که ریسک به عنوان احتمال قرار گرفتن افراد در معرض یک رویداد نامطلوب تعریف می‌شود، بنابراین، اشتغال آسیب‌پذیر، ریسک اشتغال در مشاغلی است که فاقد استانداردهای شغلی مناسب هستند (عندلیب و ظفر^۴، ۲۰۲۳). به‌طور کلی زنان در مقایسه با مردان بیشتر در معرض اشتغال آسیب‌پذیر قرار دارند که یکی از مهمترین دلایل آن، مسئولیت‌هایی است که در قبال مراقبت از فرزندان و تربیت و پرورش آن‌ها به عهده دارند و بنابراین ناچار هستند تا ترکیبی از مسئولیت‌های خانه و کار را انتخاب نمایند (وو و یان، ۲۰۲۳). زنان شاغل در بخش آسیب‌پذیر نه تنها با دستمزدهای بسیار پایین، قواعد کاری غیررسمی، شرایط کاری نامطلوب و همچنین امنیت شغلی و اجتماعی بسیار پایین مواجه هستند، بلکه اغلب از حمایت‌های اجتماعی لازم و مزایایی مانند مرخصی زایمان با حقوق نیز بی‌بهره هستند و همچنین به دلیل عدم برخورداری از نماینده‌های قانونی در اتحادیه‌های کارگری، توان لازم برای اعتراض و طرح مطالبات خود را هم ندارند (اواجوموگو و همکاران، ۲۰۲۲). به بیان کلی عواملی همچون میزان حقوق، حمایت اجتماعی، شرایط و قواعد کاری، مدت زمان انجام کار، سطح سلامت و ایمنی و سطح مهارت‌آموزی و ارائه دوره‌های آموزشی به عنوان مهمترین ابعاد کیفیت شغلی زنان نقش مهمی در ایجاد مشاغل مناسب، پایدار و موقر برای آنان دارند (پنا-کاساس و همکاران، ۲۰۱۸).

۲-۱- عوامل مؤثر بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان

۱-۲-۱- وام و اعتبارات

کارشناسان و نهادهای بین‌المللی معتقد هستند که اعطای وام و اعتبارات، یکی از مهمترین سازوکارهای موجود در راستای کاهش فقر و ایجاد اشتغال به ویژه برای زنان است. ادبیات موجود نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، عدم دسترسی به اعتبارات بانکی یکی از محدودیت‌های مهم کارآفرینان به خصوص در هنگام راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی است، به‌طوری که این مشکل برای زنان در مقایسه با مردان بیشتر است (بوینیک و همکاران^۵، ۱۹۸۹). یان-لینگ و همکاران (۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که با ایجاد محدودیت در دسترسی خانوار به اعتبارات رسمی و غیررسمی، آسیب‌پذیری اقتصادی آن‌ها افزایش می‌یابد. علاوه بر این، زنان از طریق دسترسی به بازارهای اعتباری، می‌توانند کسب و کارهای کوچک مقیاس خود را به مشاغلی با مقیاس بزرگتر و سودآورتر تبدیل نمایند و با بخش رسمی بازار ادغام شوند (یان-لینگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ آتریدو و همکاران، ۲۰۱۳). اگرچه مطالعات بسیاری بر تأثیر مثبت وام در کاهش آسیب‌پذیری اشتغال زنان تأکید کرده‌اند، اما نتایج برخی از مطالعات حاکی از آن است که وام‌های دریافتی ممکن است صرف فعالیت‌های دیگری همچون خرید و یا اجاره مسکن، خرید لوازم خانگی و یا تهیه جهاز برای دختران شود (دیهم و وهابی، ۱۳۸۲)، که این موضوع می‌تواند باعث شود تا سیاست‌های اشتغال‌زایی زنان از طریق اعطای وام از موفقیت‌چندانی برخوردار نباشد (کریمی، ۱۳۹۳، یعقوبی، ۱۳۸۵).

¹ Chaykowski

² Trade Union Commission (TUC)

³ Bocquier et al.

⁴ Andlib & Zafar

⁵ Buvinic et al.

۱-۳-۱- جهانی شدن

از نظر شولت^۱ (۲۰۰۷) و کاسلی^۲ (۲۰۰۴)، ارتباطات جهانی و فراسرزمینی میان مردم در طول زمان و مکان از ویژگی‌های اصلی جهانی شدن هستند. از نظر چئون^۳ (۲۰۰۴) نیز جهانی شدن بسته‌ای است که علاوه بر گسترش تجارت و انتقال بین‌المللی نهاده‌ها، مواردی همچون تغییرات تکنولوژیکی، فرآیند اصلاحات و بازسازی اجتماعی و سیاسی را نیز دربر می‌گیرد. طرفداران جهانی شدن بر این باور هستند که گسترش بازارها؛ ایجاد فرصت‌ها؛ افزایش دسترسی به تکنولوژی و سرمایه‌های مالی و انسانی؛ افزایش دسترسی به منابع و کالاهای باکیفیت‌تر و ارزان‌تر، خلق ایده‌های جدید، بهبود در تقسیم ریسک بین‌المللی و افزایش کارایی تخصیص منابع از مهمترین پیامدهای جهانی شدن هستند (آسونگو و نواچوکو^۴، ۲۰۱۷). این در حالی است که منتقدان جهانی شدن استدلال می‌کنند که اثرات مطلوب جهانی شدن به‌طور نابرابر اتفاق می‌افتد و در نتیجه منجر به افزایش نابرابری می‌شود. از نظر آن‌ها جهانی شدن، فرهنگ‌های محلی را نیز از بین می‌برد و باعث فروپاشی روابط دولت-ملت‌ها می‌شود (اواجومگو و همکاران، ۲۰۲۲).

در ارتباط با تأثیر جهانی شدن بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان نیز دو گرایش فکری عمده وجود دارد. گروهی بر این باور هستند که جهانی شدن از طریق ادغام زنان در بازارهای کار رسمی و در نتیجه ایجاد دستمزدهای بالاتر، زمینه‌های افزایش قدرت اقتصادی و بهبود فرصت‌ها و چشم‌انداز زنان را فراهم می‌کند، که این امر باعث افزایش استقلال و آزادی زنان، کنترل آنان بر بودجه و تصمیمات خانوار و همچنین افزایش اقتدار و انگیزه آنان برای کمک گرفتن از همسرانشان در امور خانه می‌شود (اوکولو-اوباسی و همکاران، ۲۰۲۱؛ افوری و همکاران^۵، ۲۰۲۲). علاوه بر این افزایش دستمزد و درآمد زنان در مقایسه با مردان، باعث بهبود وضعیت و اختیارات نسبی آنان خواهد شد و با گذشت زمان، این تأثیر به سطوح کلی جامعه گسترش می‌یابد، به طوری که مشارکت زنان در فضای عمومی افزایش می‌یابد و در نهایت زنان به بازیگران فعال در تصمیم‌گیری‌های عمومی تبدیل می‌شوند (گری و همکاران^۶، ۲۰۰۶). این در حالی است که باکوس^۷ (۲۰۰۵)، السون^۸ (۲۰۰۲)، و ناپل و دسای^۹ (۲۰۰۲) بر این باور هستند که جهانی شدن، توانایی زنان برای قرار گرفتن در موقعیت‌های شغلی شایسته و آبرومند با حقوق تضمین شده را کاهش می‌دهد. باکوس معتقد است که به دنبال جهانی شدن و رشد و سرمایه‌بر شدن بنگاه‌ها، نیاز به نیروی کار ارزان و غیرماهر زنان نیز کاهش می‌یابد. در این بین، تانزی^{۱۰} (۲۰۰۰) استدلال می‌کند که جهانی شدن از طریق کاهش حمایت اجتماعی، قدرت چانه زنی و استقلال زنان در خانواده و جامعه را متزلزل می‌کند. هانفلد^{۱۱} (۲۰۱۷) هم معتقد است که جهانی شدن از طریق افزایش مهاجرت نیروی کار و دسترسی به مواد غذایی ارزان‌تر و فرآوری شده، باعث ایجاد خطرات سلامتی جسمی و روحی و در نتیجه تغییر الگوی اشتغال می‌شود به طوری که آسیب‌پذیری زنان را افزایش می‌دهد (اواجومگو و همکاران، ۲۰۲۲).

۱-۴-۱- نابرابری جنسیتی

نابرابری جنسیتی نتیجه برآیند چهار مؤلفه مشارکت و فرصت اقتصادی، دستیابی به آموزش، بهداشت و بقا و توانمندسازی سیاسی است (قره-حسنلو و میرحسینی، ۱۴۰۰). به طور کلی منظور از نابرابری جنسیتی در محیط کار، وجود رفتار و فرصت‌های نابرابر برای زنان و مردان در زمینه شغل‌های موجود، پیشرفت شغلی، دستمزد و غیره است (هوآ^{۱۲}، ۲۰۲۴). نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال در اشکال مختلفی همچون وجود فرصت‌های نابرابر در یافتن شغل‌های با حقوق، مدت زمان اشتغال، مشارکت در بازار کار، دریافت کار پاره‌وقت و همچنین شکاف‌های

¹ Scholte

² Caselli

³ Cheon

⁴ Asongu & Nwachukwu

⁵ Ofori et al.

⁶ Gray et al.

⁷ Bacchus

⁸ Elson

⁹ Naples and Desai

¹⁰ Tanzi

¹¹ Hanefeld

¹² Hua

دستمزد منعکس می‌شود (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سازمان جهانی کار، ۲۰۱۹). به‌طور خلاصه می‌توان به سه نوع تبعیض جنسیتی در بازار نیروی کار اشاره نمود. نخست آن که زنان نسبت به مردان در مشاغل مشابه، مزد و حقوق کمتری دریافت کنند. دومین تبعیض، به محرومیت زنان از مشاغل حرفه‌ای پردرآمد و تمرکز یافتن آنان در مشاغل غیرفنی و ساده اشاره دارد. سومین نوع تبعیض نیز، اخراج تعداد بیشتری از زنان در مقایسه با مردان به هنگام رکود اقتصادی را در بر می‌گیرد (فطرس و همکاران، ۱۳۹۷). ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه که اکثر کارگران خوداشتغال هستند، زنان در مقایسه با مردان، بیشتر در کسب و کارهای خانوادگی و بدون دستمزد و کمتر به عنوان کارفرما و یا خویش‌فرما فعالیت می‌کنند. علاوه بر این حتی در کشورهای ثروتمند نیز با وجود اینکه اکثریت قریب به اتفاق کارگران، کارمندان مزدبگیر در بخش رسمی هستند، اما معمولاً زنان در مقایسه با مردان در صنایع و مشاغل به خصوص با درآمد پایین‌تر کار می‌کنند (گیندلینگ و نیوهاوس^۱، ۲۰۱۴).

۱-۵-۱- شهرنشینی

شهرنشینی مفهومی است که به جریان جمعیت از روستا به شهر و همچنین دگرگونی ساختاری در اقتصاد و جامعه اشاره دارد. حرکت مهاجران آسیب‌پذیر به سوی شهرها از جمله عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری نیروی کار محسوب می‌شود (ویل^۲، ۲۰۰۹). شهرنشینی با دگرگونی در ساختار اشتغال، می‌تواند مشکلات اجتماعی مهمی همچون فقر و نابرابری را به وجود آورد (کاستری^۳، ۲۰۰۷). شواهد نشان می‌دهد که در طول بحران سال ۲۰۰۸ میلادی، مناطقی که از رشد شهرنشینی بالاتری برخوردار بوده‌اند، بیشتر با معضل بیکاری مواجه شده‌اند. در حقیقت گسترش شهرنشینی که به دنبال مهاجرت سیل‌آسای افراد آسیب‌پذیر رخ می‌دهد، بر آسیب‌پذیری مشاغل تأثیر می‌گذارد (چن و همکاران^۴، ۲۰۲۳). مطالعات میترا^۵ (۲۰۱۹) و مصطفی کمال و ناچی^۶ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که با افزایش شهرنشینی، نرخ مشارکت زنان به عنوان نیروی کار کاهش می‌یابد که از دلایل عمده آن مهاجرت زنان روستایی به مناطق شهری است که به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی نمی‌توانند وارد بازار کار شوند (میترا و تریپاتی^۷، ۲۰۲۴). در این بین، وو و اشنایدر^۸ (۲۰۱۹)، هانگ و همکاران^۹ (۲۰۱۹) و الگین و اویوات^{۱۰} (۲۰۱۳) به یک رابطه U شکل بین شهرنشینی و اشتغال غیررسمی دست یافته‌اند، به‌طوری که با رسیدن نرخ شهرنشینی به یک حد معین، روند افزایشی اشتغال غیررسمی به عنوان درصدی از اشتغال کل به یک روند کاهشی تبدیل می‌شود (گوتیرز-رومرو^{۱۱}، ۲۰۲۱). معمولاً در مراحل اولیه رشد شهرنشینی و به دنبال آن گسترش صنایع و افزایش تولیدات کارخانه‌ای، تولیدات خانگی به واسطه فعالیت زنان کاهش می‌یابد (بوزراپ^{۱۲}، ۱۹۷۰). این در حالی است که با استمرار رشد شهرنشینی و ایجاد فرصت‌های تحصیلی بهتر برای زنان، کاهش نرخ باروری و ایجاد امکان تجاری‌سازی محصولات خانگی، مشارکت زنان در بازار کار افزایش می‌یابد (اپنهايمر^{۱۳}، ۱۹۷۰).

۲- مطالعات پیشین

با مرور بر پیشینه این پژوهش مشخص گردید که تا کنون هیچ یک از مطالعات داخلی به‌طور کلی به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان و به‌طور مشخص به بررسی تأثیر سهولت وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان نپرداخته‌اند. بر همین اساس در ادامه به نزدیک‌ترین مطالعات داخلی انجام شده و همچنین مطالعات خارجی مشابه با موضوع پژوهش اشاره می‌شود.

۱-۲- مطالعات داخلی

¹ Gindling & Newhouse

² Weil

³ Castree

⁴ Chen et al.

⁵ Mitra

⁶ Mustafa Kemal & Naci

⁷ Tripathi

⁸ Wu & Schneider

⁹ Huang et al.

¹⁰ Elgin & Oyvatt

¹¹ Gutiérrez-Romero

¹² Boserup

¹³ Oppenheimer

جلیلیان و محمدی (۱۴۰۱) با استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی نقش وام‌های اشتغال‌زایی بر معیشت پایدار زنان روستایی سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در دهستان هرسم، شهرستان اسلام آباد غرب در استان کرمانشاه پرداختند. نتایج نشان داد که دو گروه زنان سرپرست خانوار بهره‌مند و بی‌بهره از وام‌های اشتغال‌زایی کمیته امداد، از نظر وضعیت معیشت پایدار روستایی، تفاوت معنی‌داری باهم داشتند و زنان بهره‌مند، مخصوصاً در بعد سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی وضعیت معیشت بهتری داشتند. همچنین در بین زنان بهره‌مند از وام‌های خوکفایی نیز کسانی که از میزان وام‌های دریافتی و دوره بازپرداخت آنها رضایت داشته و همچنین در دوره‌های مهارت‌آموزی جهت ایجاد شغل شرکت داشتند، از سطح معیشت پایدار بالاتری برخوردار بودند. آخرتی و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی زیرکوه در سال ۱۳۹۶ پرداختند. نتایج نشان داد که بین زنان شاغل و خانه‌دار در موانع فرهنگی و اجتماعی، موانع آموزشی مدیریتی و موانع فنی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، در حالی که در موانع اقتصادی، موانع روانشناختی و موانع سیاست‌گذاری تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید. علیقلی (۱۳۹۵) با استفاده از روش داده‌های تابلویی، رابطه بین توسعه اقتصادی و مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی طی دوره زمانی (۲۰۱۳-۱۹۹۰) را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که تولید، نرخ بیکاری و نرخ باروری تأثیر منفی و توان دوم تولید، نرخ شهرنشینی و نرخ ثبت‌نام ناخالص زنان در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی تأثیر مثبتی بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی دارد. عرب‌مازار و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از مدل لاجیت^۱ تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران در سال ۱۳۹۰ را تحلیل نمودند. نتایج نشان داد تعداد افراد شاغل در خانوار، وضعیت تأهل، محل اقامت و سرپرست بودن زنان تأثیر مثبتی بر اشتغال آنها دارد، اما سن، اثری مثبت و غیرخطی و تحصیلات بالاتر از متوسطه اثر معکوسی بر اشتغال زنان داشته است. کریمی (۱۳۹۳) ضمن شناسایی تعاونی‌های موفق و ناموفق زنان استان مازندران در فعالیتهای مختلف اقتصادی و تعیین میزان تأثیر ویژگی‌های اعضای تعاونی‌ها (سن، تحصیلات و وضعیت تأهل) در موفقیت یا عدم موفقیت آنها، به بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال زنان در تعاونی‌های مورد نظر پرداخت. نتایج نشان داد اعطای وام ارزان به شرکت‌های تعاونی در ایجاد اشتغال زنان از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده است. یعقوبی (۱۳۸۴) به بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان طی دوره زمانی (۱۳۸۱-۱۳۷۵) پرداخت. نتایج نشان داد که اگر چه اعتبارات پرداختی در زمینه تثبیت شغل فعلی زنان مؤثر بوده است اما به علت ناکافی بودن مبلغ آن تأثیر چندانی در ایجاد مشاغل جدید نداشته است.

۲-۲- مطالعات خارجی

حسین و همکاران^۲ (۲۰۲۴) به بررسی تأثیر جهانی شدن بر اشتغال زنان در بنگلادش طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۸۴ پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که جهانی شدن سیاسی در ابتدا منجر به افزایش اشتغال زنان می‌شود و پس از رسیدن به حد آستانه مشخصی، این افزایش در اشتغال زنان به تدریج کاهش می‌یابد. این نتیجه حاکی از آن است که در ابتدای فرآیند جهانی شدن، فرصت‌های شغلی برای زنان تحصیلکرده در بخش خدمات بیشتر می‌شود و فرصت‌های شغلی برای زنان دارای تحصیلات پایین‌تر در بخش صنعت بیشتر می‌شود. در ادامه با تکیه کشور بر تولیدات صنعتی صادراتی، اشتغال زنان به‌طور معناداری کاهش خواهد یافت. این امر منجر به ایجاد رابطه‌ای به شکل U معکوس میان جهانی شدن سیاسی و اشتغال زنان می‌شود. از طرفی جهانی شدن اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر اشتغال زنان داشته است. میترا و تریپاتی (۲۰۲۴) به بررسی تأثیر شهرنشینی بر نسبت مشارکت نیروی کار زنان به مردان در منتخبی از کشورهای جهان طی دوره زمانی (۲۰۲۲-۱۹۹۱) پرداختند. نتایج نشان داد که شهرنشینی تأثیر نامطلوبی بر نسبت مشارکت نیروی کار زنان به مردان دارد. چن و همکاران (۲۰۲۳) ارتباط شهرنشینی و اشتغال آسیب‌پذیر در کشورهای منتخب را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد با افزایش نرخ شهرنشینی، اشتغال آسیب‌پذیر کاهش می‌یابد. اواجوموگو و همکاران (۲۰۲۲) اثرات جهانی شدن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در ۳۷ کشور منتخب آفریقایی طی دوره زمانی (۲۰۱۶-۲۰۰۰) را مورد تحلیل قرار دادند. نتایج نشان داد که جهانی شدن اقتصادی و اجتماعی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان تأثیر منفی و جهانی شدن سیاسی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان تأثیر مثبت دارد. بو و همکاران^۳ (۲۰۲۲) به بررسی عوامل مؤثر بر

^۱ Logit

^۲ Husain et al.

^۳ Bue et al.

اشتغال آسیب‌پذیر زنان در ۷۶ کشور منتخب با درآمد متوسط و پایین طی دوره زمانی (۲۰۱۷-۱۹۹۰) پرداختند. نتایج نشان داد که طی سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۰ به دنبال پیشرفت تحصیلی زنان و کاهش نرخ باروری اشتغال آسیب‌پذیر زنان کاهش یافته است. علاوه بر این نهادهای مفرضانه جنسیتی به عنوان مهمترین عامل شکاف جنسیتی در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در نظر گرفته شده‌اند. داتا و ساهو^۱ (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر اعتبارات خرد بر ایجاد اشتغال و قدرت زنان روستایی در هند طی دوره زمانی مارچ^۲ تا دسامبر^۳ ۲۰۱۹ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش اعطای اعتبارات خرد، فعالیت‌های درآمدزا و جذب زنان در قالب کسب و کارهای خانگی و غیرخانگی افزایش می‌یابد. مرور بر پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مقاله حاضر بر حسب هدف و در مقایسه با مطالعات داخلی انجام شده دارای نوآوری است، به طوری که بخش عمده‌ای از این نوآوری در گرو انتخاب متغیرهای اشتغال آسیب‌پذیر زنان و شاخص استحکام حقوق قانونی وام می‌باشد.

۳- روش تحقیق

۳-۱- تصریح الگو و معرفی متغیرها

برای دستیابی به هدف این مقاله که تحلیل اثر تسهیل وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای منتخب اسلامی^۴ در دوره زمانی ۲۰۲۲-۲۰۱۳ است به پیروی از داتا و ساهو (۲۰۲۱) و اواجومگو و همکاران (۲۰۲۲) مدل زیر تصریح می‌شود:

$$FV_{it} = \theta_0 + \theta_1 FV_{it-1} + \theta_2 SL_{it} + \theta_3 GI_{it} + \theta_4 GE_{it} + \theta_5 UP_{it} + \epsilon_{it} \quad (1)$$

در مدل (۱)، FV_{it} اشتغال آسیب‌پذیر زنان (بر حسب درصدی از اشتغال کل زنان) است که دربرگیرنده اشتغال کارگران خویش‌فرما و کارگران کمک‌خانواده می‌باشد.

SL_{it} بیانگر شاخص استحکام حقوق قانونی وام است که نشان می‌دهد قوانین وثیقه و ورشکستگی، تا چه حد از حقوق وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان محافظت می‌کنند. به بیانی دیگر این شاخص، میزان سهولت در دریافت وام را اندازه‌گیری می‌نماید. شاخص مذکور در بازه عددی صفر تا ۱۲ رتبه‌بندی شده است، به طوری که رتبه صفر بیانگر بدترین وضعیت و رتبه ۱۲ بیانگر بهترین وضعیت در حفاظت از حقوق وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان و سهولت در دریافت وام است.

GE_{it} نشان‌دهنده شاخص نابرابری جنسیتی است که با در نظر گرفتن سه حوزه سلامت باروری، توانمندسازی و بازار کار ساخته و پرداخته می‌شود.

UP_{it} بیانگر جمعیت شهرنشین بر حسب تعداد نفر است.

داده‌های مربوط به متغیرهای اشتغال آسیب‌پذیر زنان، استحکام حقوق قانونی وام، نابرابری جنسیتی و جمعیت شهرنشین از تارنمای بانک جهانی استخراج می‌شوند.

GI_{it} بیانگر شاخص جهانی شدن است که به ارزیابی جهانی شدن از سه بعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. شاخص مذکور در بازه عددی صفر تا ۱۰۰ رتبه‌بندی شده است، به طوری که رتبه صفر بیانگر بدترین وضعیت و رتبه ۱۰۰ بیانگر بهترین وضعیت است. داده‌های مربوط به این متغیر از تارنمای مؤسسه کاف^۵ استخراج می‌شود. به منظور از بین بردن تأثیر درونزایی متغیرها و همچنین به دلیل اینکه شرط کوچکتر بودن دوره زمانی از مقاطع در این پژوهش وجود دارد، از روش گشتاورهای تعمیم یافته استفاده می‌شود.

۳-۲- نتیجه آزمون‌های آماری و برآورد الگو

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در الگوی پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) - آمار توصیفی

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	مقیاس
-----------	------------	---------	-------	--------	--------------	-------

^۱ Datta & Sahu

^۲ March

^۳ December

^۴ کشورهای اسلامی منتخب در این مقاله شامل ایران، عراق، مصر، مالزی، قزاقستان، قرقیزستان، مراکش، اردن، اندونزی، پاکستان، ترکیه، تونس و لبنان می‌باشند.

^۵ KOF

درصد	۱۹/۵	۷۷/۷	۲/۶	۳۳/۶	FV_t	اشتغال آسیب‌پذیر زنان
امتیاز ۰-۱۲	۲/۹	۱۱	۰	۳/۸۸	SL_t	شاخص استحکام حقوق قانونی وام
رتبه ۰-۱۰۰	۹/۰	۸۱/۰۶	۴۳/۶۸	۶۴/۰۳	GI_{it}	جهانی شدن
رتبه ۰-۱	۰/۱	۰/۵۹	۰/۱۸	۰/۴۰	GE_{it}	نابرابری جنسیتی
تعداد نفر	۳۹۴۸۵۴۹۸	۱/۶۰×۱۰ ^۸	۲۰۳۱۴۳۰	۳۸۷۴۷۶۰۴	UP_t	جمعیت شهرنشین

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۱) نشان می‌دهد که اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای اسلامی منتخب طی دوره زمانی ۲۰۲۲-۲۰۱۳ دارای میانگینی برابر با ۳۳/۶ درصد بوده و کمترین میزان اشتغال آسیب‌پذیر زنان ۲/۶ درصد بوده که مربوط به اردن در سال ۲۰۲۲ است. بیشترین میزان اشتغال آسیب‌پذیر زنان نیز ۷۷/۷ درصد و مربوط به پاکستان در سال ۲۰۱۹ بوده است. شاخص استحکام حقوق قانونی وام در کشورهای منتخب اسلامی به‌طور میانگین برابر با ۳/۸۸ درصد است. اردن در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ و عراق طی تمام دوره مورد مطالعه با امتیاز صفر کمترین میزان استحکام حقوق قانونی وام را داشته‌اند و اردن طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ با امتیاز ۱۱، از بیشترین میزان استحکام حقوق قانونی وام را برخوردار بوده است.

پیش از برآورد الگو انجام آزمون مانایی متغیرها ضروری است. برای بررسی مانایی داده‌های پانل می‌توان از آزمون‌های ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته^۱، لوین، لین و چاو^۲، فیشر^۳، ایم، شین و پسران^۴ و پسران (۲۰۰۷) استفاده کرد، که البته انتخاب آزمون مناسب از بین این آزمون‌ها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است، به‌طوری‌که در صورت وجود وابستگی مقطعی لازم است از آزمون پسران استفاده شود و در غیر این صورت می‌توان از سایر آزمون‌ها استفاده نمود. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران برای متغیرهای الگو آماره ای برابر با ۱/۴۷- که دارای احتمالی برابر با ۰/۱۴۱ است بدست داد. بر این اساس فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود وابستگی مقطعی رد نمی‌شود، در نتیجه بین متغیرها وابستگی مقطعی وجود ندارد. بدین ترتیب، برای بررسی مانایی داده‌ها می‌توان از آزمون‌های معمول مانایی برای داده‌های پانلی شامل واحد لوین، لین و چو، ایم- پسران- شین و بریتانگ و هادری استفاده کرد. در این پژوهش به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون ایم، پسران و شین (IPS) استفاده می‌شود. فرضیه صفر در آزمون مذکور بیانگر نامانای بودن متغیرهاست.

جدول (۲)- نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش به روش IPS با در نظر گرفتن عرض از مبدا

نتیجه	احتمال آماره	آماره t	نماد	متغیر
مانا	۰/۰۰۰	-۵/۲	FV_t	اشتغال آسیب‌پذیر زنان
نامانا	۰/۱۴۸	-۱/۰۴	SL_t	شاخص استحکام حقوق قانونی وام
مانا	۰/۰۲۷	-۱/۹	GI_{it}	جهانی شدن
مانا	۰/۰۶۵	-۱/۵	GE_{it}	نابرابری جنسیتی
نامانا	۰/۹۹۵	۲/۵۶	UP_t	جمعیت شهرنشین

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق با نتایج جدول (۲) آزمون مانایی نشان می‌دهد که نرخ شهرنشینی و شاخص استحکام حقوق قانونی وام نامانا و سایر متغیرها مانا هستند. به عبارتی متغیرها ترکیبی از مانا و نامانا هستند و لازم است آزمون همجمعی بین متغیرهای الگوها انجام شود تا از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها اطمینان حاصل شود. بدین منظور از آزمون همجمعی داده‌های تابلویی به روش کائو^۵ استفاده شد و نتیجه این آزمون آماره‌ای برابر با ۱/۸- بدست داد

¹ Augmented Dicky Fuller² Levin, Lin, Chu³ Fisher⁴ Im, Pesaran And Shin⁵ Kao

که دارای احتمالی برابر با ۰/۰۳۶ می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود بردار همجمعی بین متغیرهای الگوی پژوهش رد شده و رابطه همجمعی وجود دارد. بر این اساس می‌توان از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) برای برآورد الگو استفاده کرد. نتیجه حاصل از برآورد الگو و آزمون‌های تشخیصی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳) - نتیجه تخمین الگو و آزمون‌های تشخیصی به روش GMM

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره	احتمال آماره
اشتغال آسیب‌پذیر زنان در دوره قبل	FV_{t-1}	۰/۳۵	۲/۱	۰/۰۳۹**
شاخص استحکام حقوق قانونی وام	SL_t	-۰/۱۱	۲/۰۳	۰/۰۴۳**
جهانی‌شدن	GI_{it}	۰/۳۴	۱/۹۸	۰/۰۴۸**
نابرابری جنسیتی	GE_{it}	۰/۵۸	۳/۶۶	۰/۰۰۰***
جمعیت شهرنشین	UP_t	۰/۳۴	۲/۷	۰/۰۰۷***
آزمون‌های تشخیصی				
آزمون خودهمبستگی مرتبه اول			-۲/۴۴	۰/۰۱۵
آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم			-۰/۲۱	۰/۸۳۰
آزمون سارگان			۲۰/۶۴	۰/۹۴۰

***، ** و * به ترتیب بیانگر معناداری در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ است.

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول (۳) اشتغال آسیب‌پذیر زنان در دوره قبل بر دوره جاری اثر مثبت و معنادار داشته است. شاخص استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثر منفی و معنادار داشته است. متغیرهای نابرابری جنسیتی، و نرخ شهرنشینی و جهانی‌شدن بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثر مثبت و معنادار داشته‌اند. نتایج آزمون‌های سارگان و آرانو و باند در جدول (۳)، حاکی از عدم همبستگی سریالی در وقفه دوم و معتبر بودن ابزارهای مورد استفاده در مدل است. بدین ترتیب مدل برآورد شده با تفاضل وقفه‌دار مرتبه اول، روش مناسبی برای تخمین مدل بوده و دارای تورش تصریح مدل نمی‌باشد.

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مقاله حاضر که با هدف تحلیل اثر تسهیل وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در ۱۳ کشور منتخب اسلامی در دوره زمانی ۲۰۲۲-۲۰۱۳ و به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) انجام شد، نتایج زیر حاصل شد:

- افزایش یک درصدی اشتغال آسیب‌پذیر زنان در دوره قبل منجر به افزایش ۰/۳۵ درصدی اشتغال آسیب‌پذیر زنان در دوره جاری شده است.
- افزایش یک درصدی شاخص استحکام حقوق قانونی وام که به منزله تسهیل وام‌دهی است منجر به ۰/۰۱۱ درصد کاهش در اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. بر این اساس با تسهیل وام‌دهی زنان توانسته‌اند از مشاغل آسیب‌پذیر به مشاغل رسمی انتقال یابند. به عبارتی با تسهیل وام‌دهی در کشورهای مورد مطالعه، توانمندی زنان برای ورود به مشاغلی که در بخش رسمی است و دارای مزایایی همچون حقوق ثابت و تامین اجتماعی می‌باشد افزایش یافته است. مطالعاتی همچون داتا و ساهو (۲۰۲۱) نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.
- افزایش یک درصدی جهانی‌شدن منجر به ۰/۳۴ درصد افزایش اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. این در حالی است که افزایش یک درصدی در مجذور جهانی‌شدن منجر به ۰/۵۸۸ درصد افزایش در اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. بر این اساس افزایش درجات جهانی‌شدن که با ارتقای رشد اقتصادی و سرمایه‌بر شدن تولیدات در راستای افزایش صادرات و تجارت جهانی همراه است منجر به کاهش یافتن نیاز بنگاه‌ها در بخش رسمی به نیروی کار زنان، به ویژه زنان دارای سطح تحصیلات و مهارت کمتر، شده و به افزایش اشتغال زنان در بخش آسیب‌پذیر منتهی شده است.

- افزایش یک درصدی نابرابری جنسیتی منجر به افزایش ۰/۵۸ درصدی اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای مورد بررسی شده است. بدین ترتیب، با افزایش نابرابری زنان نسبت به مردان در کشورهای اسلامی منتخب، دسترسی زنان به مشاغل رسمی و مناسب کاهش یافته و باعث شده است که زنان وادار به پذیرش مشاغل آسیب‌پذیر شوند. بو و همکاران (۲۰۲۲) نیز در مطالعه خود به نتیجه مشابهی دست یافتند.

- افزایش یک درصدی نرخ شهرنشینی به افزایش ۰/۳۴ درصدی اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای منتخب اسلامی منجر شده است. به عبارتی افزایش نرخ شهرنشینی که به دلیل مهاجرت نیروی کار از روستاها به شهرها اتفاق افتاده است، به دلیل عدم وجود فرصت‌های شغلی برای مهاجران روستایی که اغلب افرادی غیرماهر و با سطح تحصیلات پایین هستند منجر به افزایش اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. علیقلی (۱۳۹۵) نیز به نتیجه مشابهی دست یافت.

با توجه به اینکه کشورهای مورد مطالعه جزء کشورهای اسلامی هستند و مطابق با اصول اسلام، برقراری عدالت و برخورداری از حقوق انسانی از جمله حق اشتغال و برخورداری از دستمزد برای زنان مشابه با مردان، مورد تاکید می‌باشد، انجام اقداماتی که در راستای نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به کاهش اشتغال آسیب‌پذیر زنان و توانمند ساختن آنان برای ورود به بخش رسمی و امن اقتصاد راهگشا باشد به شرح زیر توصیه می‌شود:

- از آنجا که تسهیل وام‌دهی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثر منفی داشته و به عبارتی باعث انتقال زنان از بخش غیررسمی به بخش رسمی اقتصاد شده است، لازم است دولت‌های کشورهای مورد بررسی بر تسهیل وام‌دهی به زنان اهتمام ورزند. در این راستا توصیه می‌شود که طرح‌های تسهیلاتی ویژه‌ای برای زنان ایجاد شود که شامل وام‌های قرض‌الحسنه و یا با نرخ بهره پایین باشد. همچنین از آنجا که ممکن است زنان نتوانند ضامن رسمی برای اخذ وام معرفی نمایند و یا قادر به ارائه وثیقه‌هایی همچون استاد و مدارک ملکی نباشند، امکان وثیقه‌گذاری طلا و یا سایر دارایی‌های منقول برای آنان ایجاد شود.

- با توجه به اثر مثبت نابرابری جنسیتی بر افزایش اشتغال آسیب‌پذیر زنان، توصیه می‌شود که دولت‌ها با فراهم کردن دسترسی برابر به آموزش و پرورش برای دختران و پسران و همچنین راه‌اندازی دوره‌های آموزشی برای زنان در حوزه‌های شغلی با تقاضای بالا، مانند فناوری اطلاعات و مهندسی، امکات تصدی شغل‌های رسمی را برای زنان فراهم آورند. تصویب قوانین و سیاست‌هایی که تبعیض را در استخدام زنان ممنوع نماید و به شفافیت فرآیندهای استخدامی کمک کند نیز راهگشا خواهد بود.

- با توجه به اثر مثبت جهانی شدن بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان، لازم است که دولت‌ها با مدیریت و کنترل سرعت جهانی شدن از تاثیر مثبت آن بر اشتغال زنان در بخش آسیب‌پذیر و فاصله گرفتن آنان از بخش رسمی اقتصاد جلوگیری نمایند، زیرا هرچند جهانی شدن امتیازاتی را برای این کشورها در پی دارد، اما باید استفاده از مزایای این امر در راستای منفعت و بهره‌مند شدن کل جامعه باشد و زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه از مزایای آن برخوردار شوند. مدیریت سرعت جهانی شدن برای جلوگیری از تأثیرات منفی آن بر اشتغال زنان نیازمند یک رویکرد جامع و چندجانبه است. با ایجاد سیاست‌های حمایتی، توسعه مهارت‌ها و همکاری بین‌المللی، می‌توان فرصت‌های شغلی بیشتری برای زنان فراهم کرد و از نابرابری‌های موجود کاست.

فهرست منابع

- اسدی زیدآبادی، فاطمه، سلمانپور، علی، خورشیدی، غلام حسین، معمارنژاد، عباس، دیانف مهدی. (۱۴۰۲). اثرات اصلاح راهبردهای تجارت خارجی بر اشتغال کامل (شواهدی از ایران). *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۲ (۴۵): ۳۴۵-۳۶۳.
- آخرتی، محمود؛ آهنگری، الهه و طحان، محمد. (۱۳۹۷). بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی، زن و فرهنگ، ۹ (۳۵): ۱۱۶-۱۰۵.
- جلیلیان، نسرين و محمدی، یاسر. (۱۴۰۱). نقش تسهیلات کمیته امداد امام خمینی (ره) بر معیشت پایدار زنان روستایی سرپرست خانوار در استان کرمانشاه، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۱ (۳) (پیاپی ۴۱): ۱۳۸-۱۲۳.
- دیهم، حمید و وهابی، معصومه. (۱۳۸۲). دسترسی زنان به اعتبارات بانکی، پژوهش زنان، ۱ (۷): ۸۷-۶۱.
- عرب مازار، عباس؛ علی‌پور، محمدصادق و زارع نیاکوک، یاسر. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، *اقتصاد و الگوسازی*، ۵ (۱۷ و ۱۸): ۹۱-۷۵.
- علیقلی، منصوره. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۴ (۲): ۸۶-۶۳.
- فطرس، محمد حسن؛ احمدوند، نرگس و امینی‌راد، مهدی. (۱۳۹۷). رابطه برابری جنسیتی با اشتغال جوانان در کشورهای درحال توسعه، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۸ (۷۱): ۸۳-۴۵.
- قره‌حسنلو، فاطمه و میرحسینی، زهرا. (۱۴۰۰). واکاوی بسترها و زمینه‌های نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۸ (۹۵): ۶۹-۳۷.
- کریمی، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال زنان مطالعه موردی: تعاونی‌های زنان در استان مازندران، *فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا*، ۲ (۴): ۱۶۸-۱۴۵.
- یعقوبی، جعفر. (۱۳۸۴). بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان، زن در توسعه و سیاست، ۳ (۱): ۱۴۶-۱۲۵.
- Andlib, Z., & Zafar, S. (2023). Women and Vulnerable Employment in the Developing World: Evidence from Pakistan. *Journal of International Women's Studies*, 25(7), 17.
- Asongu, S. A., & Nwachukwu, J. C. (2017). The comparative inclusive human development of globalisation in Africa. *Social Indicators Research*, 134, 1027-1050.
- Aterido, R., Beck, T., & Iacovone, L. (2013). Access to finance in Sub-Saharan Africa: is there a gender gap?. *World development*, 47, 102-120.
- Bacchetta, M., & Bustamante, J. P. (2009). Globalization and informal jobs in developing countries: A joint study of the International Labour Office and the Secretariat of the World Trade Organization. International Labour Organization and the World Trade Organization. *WTO Secretariat*.
- Bacchus, N. (2005). *The effects of globalization on women in developing countries*. Pforzheimer Honors College Theses <https://digitalcommons.pace.edu/honorscollege.theses/2>
- Bocquier, P., Nordman, C. J., & Vescovo, A. (2010). Employment vulnerability and earnings in urban West Africa. *World Development*, 38(9), 1297-1314.
- Bue, M. C. L., Le, T. T. N., Silva, M. S., & Sen, K. (2022). Gender and vulnerable employment in the developing world: Evidence from global microdata. *World Development*, 159, 106010.
- Buvinic, M., Berger, M., & Jaramillo, C. (1989). Impact of a credit project for women and men microentrepreneurs in Quito, Ecuador. *Women's Ventures*, 222-246.
- Castree, N. (2007). Labour geography: A work in progress. *International Journal of Urban and Regional Research*, 31(4), 853-862.
- Chaykowski, R. P. (2005). *Non-standard work and economic vulnerability* (p. 5). Ottawa: Canadian Policy Research Networks.
- Chen, M., Huang, X., Cheng, J., Tang, Z., & Huang, G. (2023). Urbanization and vulnerable employment: Empirical evidence from 163 countries in 1991-2019. *Cities*, 135, 104208.
- Datta, S., & Sahu, T. N. (2021). Impact of microcredit on employment generation and empowerment of rural women in India. *International Journal of Rural Management*, 17(1), 140-157.

- Elgin, C., & Oyvat, C. (2013). Lurking in the cities: Urbanization and the informal economy. *Structural Change and Economic Dynamics*, 27, 36–47.
- Elson, D. (2002). Gender justice, human rights, and neo-liberal economic policies. *Gender justice, development and rights*, 2002, 78-114.
- Gindling, T. H., & Newhouse, D. (2014). Self-employment in the developing world. *World development*, 56, 313-331.
- Gray, M. M., Kittilson, M. C., & Sandholtz, W. (2006). Women and globalization: A study of 180 countries, 1975–2000. *International organization*, 60(2), 293-333.
- Gutiérrez-Romero, R. (2021). Inequality, persistence of the informal economy, and club convergence. *World Development*, 139, 105211.
- Hanefeld, J. (2018). How does globalisation affect women's health?. *The Lancet Global Health*, 6(1), e12-e13.
- Hua, w. (2024). *Gender Inequality: A Multi-Perspective Analysis*, Proceedings of the 2nd International Conference on Social Psychology and Humanity Studies.
- Huang, G., Zhang, H., Xue, D., & Yao, H. (2019). The inverted-U relationship between urban informal economy and urbanization in China. *Economic Geography*, 39, 76–83.
- Husain, H., Chowdhury, M. A. F., & Sulong, Z. (2024). Do political and social globalization promote female labour in Bangladesh? An empirical reassessment. *World Development Sustainability*, 4, 100121.
- International Labour Organization (2013). *Decent work indicators: Guidelines for producers and users of statistical and legal framework indicators: ILO Manual: Second Version*. International Labour Organization.
- Mitra, A. (2019). Women's work in response to urbanization: Evidence from Odisha. *ANTYAJAA: Indian Journal of Women and Social Change*, 4(1), 92-106.
- Mitra, A., & Tripathi, S. (2024). DO MORE WOMEN FIND EMPLOYMENT AS THE URBAN POPULATION GROWS?. *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 19(2), 88-117.
- Mustafa Kemal, B., & Naci, G. (2009). *Female labor force participation in urbanization process: the case of Turkey*. MPRA Paper 18249, University Library of Munich, Germany.
- Naples, N. A., & Desai, M. (Eds.). (2002). *Women's activism and globalization: Linking local struggles and global politics*. Routledge.
- OECD/ILO. (2019). Tackling Vulnerability in the Informal Economy, Development Centre Studies, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/939b7bcd-en>.
- Ofori, I. K., Cantah, W. G., Afful Jr, B., & Hossain, S. (2022). Towards shared prosperity in sub-Saharan Africa: How does the effect of economic integration compare to social equity policies?. *African Development Review*, 34(1), 97-113.
- Pavlova, E., & Gvetadze, S. (2023). Female access to finance: A survey of literature (No. 2022/87). EIF Working Paper.
- Peña-Casas, R., Ghailani, D., & Coster, S. (2018). The Impact of Digitalisation on Job Quality In European Public Services: The Case of Homecare and Employment Service Workers. *European Social Observatory, European Public Service Union*. Available at: <https://www.epsu.org/sites/default/files/article/files/FINAL%20REPORT%20EPSU%20DIGITALISATION>.
- Uwajumogu, N. R., Nwokoye, E. S., Ojike, R. O., Okere, K. I., Ugwu, J. N., & Ogbuagu, A. R. (2022). Globalization and the proportion of women in vulnerable employment in sub-Saharan Africa: The role of economic, social, and political conditions. *African Development Review*, 34(3), 356-369.
- Weil, D. (2009). Rethinking the regulation of vulnerable work in the USA: A sector-based approach. *Journal of Industrial Relations*, 51(3), 411-430.
- Weil, D. (2009). Rethinking the regulation of vulnerable work in the USA: A sector-based approach. *Journal of Industrial Relations*, 51(3), 411-430.
- Wu, C., & Yan, Y. (2023). Political factors, entrepreneurship, and female employment vulnerability in sub-Saharan Africa. *African Journal of Reproductive Health*, 27(12), 51-62.
- Wu, D. F., & Schneider, M. F. (2019). *Nonlinearity between the shadow economy and level of development*. International Monetary Fund.



Yan-Ling, P., REN, Y., & Hou-jian, L. (2021). Do credit constraints affect households' economic vulnerability? Empirical evidence from rural China. *Journal of Integrative Agriculture*, 20(9), 2552-2568.

Analysis of the Effect of Lending Facilitation on Women's Vulnerable Employment

Firas Sabah Alivi¹

Sara Ghobadi²

Saad Makassees³

Hossein Sharifi Renani⁴

Abstract

As half of the population of societies, women can help increase economic growth by participating in economic activities. However, statistical studies indicate that there are few suitable job opportunities for women in the official sector in most economies. This has led to women turning to domestic and vulnerable jobs that do not have fixed salaries and social security. The purpose of this article is to analyze the effect of facilitating lending on vulnerable women's employment and its role in the transition from the vulnerable sector to the formal sector in a selection of Islamic countries, in which, according to the emphasis of Islam, the enjoyment of human rights, including suitable employment for all sections of the society, especially Women are emphasized. Therefore, considering the time period of 2013-2022, and using the method of generalized method of moments (GMM), the issue was analyzed. The results indicated that increasing the strength of the legal rights of loans as an indicator of facilitating lending has led to a decrease in the vulnerable employment of women, and in other words, it has helped to transfer women from the informal sector to the formal sector of the economy. Meanwhile, other variables, including globalization, gender inequality, and increasing urbanization, have led to an increase in the vulnerable employment of women.

Key words: Credit facilitation, vulnerable employment, gender inequality, globalization.

JEL Classification: J830 ,F00 ,C23.

¹. Ph.D. student in Economics, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Firascr415@gmail.com

². Assistant Professor of Economics, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author) sghobadi@khuif.ac.ir

³. Associate Professor of Economics, Department of Economics, Alkut University, waset, Iraq.

Saad.hussein@alkutcollege.edu.iq

⁴. Associate Professor of Economics, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. H.sharifi@iau.ac.ir